



تاریخچه

در اول ماه مه 1886 میلادی، پلیس شیکاگو با حمله به تظاهرات گسترده کارگران، که برای هشت ساعت کار در روز، وحق تشکیل اتحادیه های کارگری برپا شده بود، آنان را به خاک و خون کشیدند. چند روز بعد از این واقعه دادگاه چندتن از رهبران کارگران را محاکمه و به مرگ محکوم کرد. یکی از رهبران کارگران اعتصابی، پس از اعلام رأی، در برابر دادگاه چنین گفت: " کارگران اینک دریافته اند که می توانند با اتحاد و همبستگی، و مبارزه جمعی بر مشکلات خود فائق آیند. آنان می دانند که چه قدرت عظیمی در اتحاد ایشان نهفته است، به همین علت است که کارفرمایان با تمام توان می کوشند تا اتحاد کارگران را بشکنند، و میتینگ کارگران را به خاک و خون بکشاند. ما کارگران گردهم آمدیم تا اندکی از حقوق خود را باز پس بگیریم؛ اما اکنون از دادگاه و زندان سر در آورده ایم. آیا این است معنای برابری و عدالت در جامعه ما؟ امروز اگر صدای حق طلبانه ما را با گلوله خفه می کنید، مطمئن باشید که این صداها از این پس خاموش شدنی نیست، بلکه هر روز طنین آن رساتر خواهد شد." رهبران کارگران شیکاگو به دست مستکبران جان باختند؛ اما حقانیت گفته هایشان به تدریج بر همگان مسلم شد. در سال 1889 میلادی، کنگره بین المللی کارگران در پاریس، به پیشنهاد نماینده کارگران امریکا، روز اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگر برگزید و در پی آن در بسیاری از کشورهای دنیا، کارگران، با برپایی اعتصاب و تظاهرات گسترده، این روز را گرمی می دارند. ویاد و خاطره کارگران به خاک و خون کشیده شده آن روز تاریخی را ارج می نهند.

کار و اهمیت آن در جوامع بشری

در فرهنگ غنی اسلامی ما، سلوک الهی دارای دو بخش است بخش مادی و بخش معنوی، بخش مادی آن کار است و بخش معنوی آن نماز و از اینجا می توان به اهمیت کار در جامعه اسلامی پی برد چرا که از کار می توان دنیا و زندگی دنیوی را آباد کرد و با نماز به آخرت خود رسیدگی کرد کار هم کفو همه مسائل معنوی است که برای یک انسان مسلمان سفارش شده است.

کار بخشی بزرگ و شاید زیربنایی ترین قسمت زندگی انسانی باشد چرا که از کار می توان به جوهره درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره های درونی آشکار شوند و استعدادها بالقوه به منصف ظهور رسد می توان به حضور جامعه ای پویا امیدوار بود و همین جوهره های درونی اند که لازمه ایجاد یک زندگی معقول و ایده آل برای انسان و انسانیت هستند.

کلید گشایش هر استعدادی در درون انسان، کار است و وقتی با این کار گنجینه بسته، باز شود هر لحظه که کار تداوم داشته باشد، این استعداد شکوفاتر می شود، این بدان معناست که همه وجود انسان باید روی کار متمرکز شود حتی زمانی که به طور فیزیکی به کار نمی پردازد. به عبارتی همیشه انسان باید روی بهترین شکل انجام کار تفکر نماید تا هم از بهره وری برخوردار شود و هم موجب پیشرفت کار تا سطوح عالی باشد.

در ژاپن در طی یک تحقیق از کارگران که از سوی محققان امریکایی انجام شد از قول یکی از کارگران ژاپنی علت بهره وری در صنایع ژاپن چنین است: «وقتی کار روزانه ما تمام می شود و از کارخانه بیرون می آیم، تازه کارمان شروع می شود. به این صورت که به کتابفروشی ها می رویم و کتابی که مربوط به شغل ماست می خریم و در اوقات فراغت آنرا مطالعه می کنیم تا ببینیم چه راه جدیدی برای انجام بهتر کارمان کشف شده است و فردا که به سرکار حاضر شدیم راههای جدیدی را به کار می بندیم.» امریکایی ها یکی از علل بالا بودن بهره وری در ژاپن را همین علاقه به انجام کار و بهتر انجام دادن وظایف شغلی افراد ژاپنی می دانند.

از طرفی دیگر بنا بر یکی از مهمترین تئوری های علم اقتصاد: «ارزش هر چیزی به کاری بستگی دارد که در آن متبلور است» این تئوری (ارزش کار) می رساند که کیفیت و کمیت کار در زمینه اقتصاد ارزش آفرین است.

به عبارت ساده تر این کار است که ارزش انسان را مشخص می کند در حالی که ارزش کار را هم انسان تعیین می نماید. پس باید دید که کاری را که ما انجام می دهیم چگونه است، آیا کارمان فقط جنبه مادی دارد؟ آیا جنبه های مادی کار ما آنقدر بالاست که جنبه های دیگر فراموش شده است؟ و آنچه مهم به نظر می آید این است که افزایش بهره وری ناشی از وجود عشق و علاقه به کار به نوبه خود سبب افزایش حجم کالا و خدمات تولیدی و کاهش هزینه های تولید می شود. همین امر موجب کاهش در نرخ تورم و از بین رفتن تدریجی آن می شود. نبود تورم و وفور کالاها و خدمات مورد نیاز مردم شرایط را چنان با آرامش و رفاه ترین می سازد که نامی جز بهشت را بر اجتماع مذکور نمی توان گذاشت. در مقابل عدم وجود عشق به کار و روحیه تن پروری و فرار از کار و کاستن از کار و سبب می شود بهره وری کاهش یابد و همین امر موجب افزایش نرخ تورم، بیکاری، کاهش تولید و شده که اجتماع مذکور نامی جز جهنم ندارد.

اما نتیجه مهم مباحث بالا این است که: «کار که جنبه مادی سلوک الهی در فرهنگ غنی ما معرفی شده است چگونه می تواند مانند جنبه های معنوی آن جامعه را به پیشرفت منتهی کند یا سیر نزولی را طی کند ؟ پس دیده می شود که فرهنگ ما اهمیت فراوانی که به کار می دهد از کجا نشات می گیرد؟»

اسلام و حقوق کارگر و کارفرما

امامان و پیشوایان دین (ع)، در سخن و در عمل، به کار و اشتغال تأکید داشته و از بیکاری به شدت دوری کرده اند. در روایات آمده است کسی که به کار و تلاش مشغول

است، از کسی که کار را رها کرده و به عبادت خدا مشغول است اجر و پاداشی فزونتز دارد و نیز در روایات است که دعای بیکار هرچند عابد باشد مستجاب نمیشود. همچنین در روایات است که پیامبر اکرم (ص) کارهای خانه را انجام میداد و نیز در خبر است که امام صادق (ع) فرمود: «هر آنکس که جامه خود را بدوزد و نعلینش را وصله زند و کالای مورد نیاز خانه را خود حمل کند، از تکبر ایمن باشد.»

از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمود:

«روزی در مدینه سخت گرسنه بودم، از شهر بیرون شدم تا کاری پیدا کنم و مزدی به دست آورم. مقداری از شهر دور شدم به کنار خانه زنی رسیدم و دیدم مقداری گل خشک انباشته است دانستم که وی میخواهد آن گلها را جهت ساختمان، تر کند، به نزد او رفتم و با وی قرار بستم که در ازای هر دلو بزرگ آب که بر آن گلها بریزم یک دانه خرما بستانم. شانزده دلو کشیدم و از سنگینی دلوها دستم تاول زد. وی شانزده دانه خرما به من داد و من خرماها را به نزد پیامبر (ص) بردم و دو نفری آنها را خوردیم»

در روایات اسلامی از امیر المومنین (ع)، در باره احیای زمین، ایجاد باغها، حفر قنوات، کارگری برای دیگران و... بسیار سخن به میان آمده است امام صادق (ع) فرمود:

«امیر المومنین (ع) بیل میزد و زمین را احیا میکرد و از درآمد و دسترنج خویش هزار بنده را آزاد کرد» تمام اینها حاکی از ارزشمندی کار و کارگری و مذموم بودن تنبلی و کسالت و بیکاری است.

در احادیث و روایات اسلامی از کار کردن به عنوان عملی دنیوی و اخروی که دارای اجر و ثواب بسیار است یاد و نسبت به آن توصیه های بسیار شده است به طوری که عنوان جهاد کننده در راه خدا بر کارگری که برای اداره زندگی خانواده اش سعی و تلاش میکند اطلاق شده است. حضرت علی (ع) فرموده است:

«خداوند به حضرت داود (ع) وحی فرستاد که تو بنده بسیار خوب من هستی و تنها نقطه ضعفی که در تو وجود دارد این است که کار نمیکنی و از دسترنج خود امرار معاش نمیکنی، بلکه از بیت المال حقوق میگیری. داود چهل روز گریست و سپس به شغل آهنگری روی آورد و از آن طریق مخارج خود را تأمین نمود» امام صادق (ع) فرمود:

«برو کار کن، بار بر سر بگذار و آن را حمل نما و مزد بگیر تا از دست دراز کردن به سوی مردم بی نیاز باشی» شخصی گفت: دیدم امام صادق (ع) در زمینی کار میکند و از شدت گرما پیوسته عرق می ریزد، عرض کردم فدایت شوم بیل را به من بدهید تا این کار را انجام دهم. فرمود: دوست دارم در طلب رزق و روزی گرمای خورشید مرا آزار دهد و من اجر و پاداش ببرم. در روایت است که حضرت علی (ع) هیزم جمع میکرد، چشمه و قنات حفر می نمود، باغ و مزرعه آبیاری می کرد و حضرت زهرا گندم آرد می کرد و خمیر و نان درست می کرد.

حضرت صادق (ع) فرمود:

«خداوند انسانی را که خواب و بیکاری او زیاد باشد، میغوض میدارد»

یکی از صوفیها به نام محمد بن منکدر گفت:

در یک روز گرم تابستان دیدم امام باقر (ع) مشغول زراعت است و عرق از سرا پای او جاری است، به او گفتم: اگر شما در این حال بمیرید در چه حالی از دنیا رفته اید؟ آیا برای حرص زدن برای مال دنیا نمرده اید؟ فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت و اطاعت خدا مرده ام، چون من عرق میریزم و کار می کنم تا محتاج تو و امثال تو نباشم»

کارگری نزد امام صادق (ع) آمد و گفت من کارگری هستم که دیگر توان کار کردن ندارم و دستم قدرت ندارد. حضرت فرمود:

«برو کار کن، اگر با دست نمی توانی کار کنی بار بر روی سرت بگذار و ببر و با این کار عزت خود را حفظ کن و زن و بچه ات را در آسایش و رفاه قرار بده.»

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«کسی که از راه حلال در طلب دنیا باشد و قصد او (کار کردن) توسعه دادن زندگی زن و بچه، و بی نیازی از تقاضا کردن از دیگران، و نیز رسیدگی به همسایگان و مستمندان باشد در حالی که صورتش چون ماه شب چهارده درخشندگی دارد به دیدار خداوند می شتابد.»

و نیز فرمود:

«خداوند بنده ای را که سختی بکشد تا درآمدي کسب کند و بی نیاز از دیگران شود دوست دارد»

کارگر و حقوق او

کارگر از نظر قانون کار کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی، اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می کند. کارگر در دیدگاه اسلام بسیار محترم و ارزشمند است، بطوری که رسول گرامی اسلام (ص) و امیر المومنین (ع) و سایر امامان معصوم (ع) از کار و کارگر تجلیل کرده و خود نیز کار میکردند و خود را کارگر می دانستند، و در تاریخ منقول است که حضرت علی (ع) باغهای دیگران را آبیاری میکرد ودر ازای آنها دستمزد میگرفت. و چون چنین است در معارف و احکام اسلامی، حقوق برای کارگر معین شده و نسبت به اجرای دقیق آن تأکید بسیار شده است، تا جایی که امام سجاد (ع) در رساله حقوق خود می فرماید:

«حق زیر دستان بر تو آن است که بدانی ضعف آنها و قدرت تو (از نظر مالی، بدنی و فکری) دلیل تسلط تو بر آنها شده است. پس باید با آنها به عدالت رفتار کنی و مانند پدری مهربان برای آنها باشی، از نادانی و جهل و اشتباه آنها در گذری و در عقوبت آنها تعجیل نکنی و بر این کار فرمایی که خدا به تو داده است سپاسگذار باشی»

و در سخنی دیگر از اذیت و آزار کردن نسبت به کارگران نهی فرموده است و صریحاً دستور مراعات حق آنها را صادر کرده، می فرماید:

«حق کسی که کارهای (خانه، مغازه، کارگاه، کارخانه) تو را انجام میدهد، آن است که بدانی او را خدا خلق کرده و در حقیقت از پدر و مادر تو است (آدم و حوا) تو مالک و خالق او نیستی و روزی او نیز در دست تو نیت. پس به او نیکی کن و آزارش مده.»

به عبارت دیگر میتوان گفت در روایات اسلامی حقوق برای زیر دستان ذکر شده است؛ که چون در این زمان آن تعبیرها تا حدی بر کارگر و خدمتگذار تطبیق میشود، مناسب است در اینجا نمونه هایی را تحت عنوان حقوق کارگران یاد آور شویم.

پیامبر اکرم (ع) فرمود:

«حق کارگر بر کارفرما آن است که لباس و غذای خوب به او بدهد، بیش از حد طاقت او را به کار و نداد.»

شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: تا چه مقدار اشتباهات و نافرمانیهای کارگر را مورد عفو قرار دهیم؟ حضرت پس از مدتی سکوت فرمودند: «روزی هفتاد مرتبه از

او درگذر.» و نیز فرمود:

«همه شما نسبت به زیر دستان و کارگزاران خود مسئول هستید.»

در روایت هست که یکی از خدمتکاران و کارگران زن که در منزل امام سجاد (ع) کار میکرد، روزی برای وضوی حضرت آب از چاه آورده بود، اما ناگهان ظرف آب از دستش افتاد؛ آنها بر آن حضرت ریخت. حضرت نگاهی بر او کرد؛ اما قبل از آنکه صحبتی بفرماید، آن زن تقاضای عفو و بخشش نمود و آیاتی از قرآن را خواند و امام سجاد فوراً از تقصیر او درگذشت....

حنان بن شیبب گوید:

چند نفر کارگر را در یکی از باغهای امام صادق (ع) اجیر کرده بودیم که تا عصر کار کنند؛ چون کارشان به اتمام رسید، حضرت به نماینده خود فرمود: «پیش از آنکه عرقشان خشک شود مزدشان را بپردازید»

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی از هر گناهی میگذرد (با توبه) جز اینکه کسی مهریه زنی را منکر شود و یا حقوق کارگری را غصب کند و ادا ننماید»

به هر حال حقوق کارگر بر کارفرما به طور خلاصه به این شرح است:

1- خوراک و پوشاک او را به نحو مطلوب تأمین کند.

2- بیش از اندازه طاقت از او کار نکشد.

3- متکبرانه با او رفتار ننماید.

4- از خطاها و نافرمانیهای او درگذرد.

5- دستمزد و حقوق او را کاملاً بپردازد.

کارفرما و حقوق او

کارفرما کسی است حقیقی یا حقوقی که کارگر بنا به درخواست و به حساب او در قبال دریافت حق السعی کار میکند.

مدیران و مسئولان بطور عموم تمام کسانی که عهده دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب میشوند، و کارفرما مسئول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می گیرند.

نقل شده است که امام صادق (ع) خدمتکارش را برای انجام کاری فرستاد، مدتی گذشت اما آن کارگر باز نگشت، حضرت به دنبال او رفت و دید در گوشه ای خوابیده است، بالای سرش نشست و او را باد میزد تا آنکه از خواب بیدار شد.

وقتی که از خواب برخاست امام بدون این که عصبانی شود فرمود:

«فلانی این درست نیست که تو هم شبها استراحت کنی و هم روزها؛ شبها خوب بخواب و کارهای روزانه را هم خوب انجام بده.»

یعنی از ساعاتی که طبق قرار داد باید کار کنی کم مگذار و کاملاً در اوقات کاری به انجام وظیفه ات مشغول باش.

در منطق اسلام کار کردن عبادت است و اگر با انگیزه کسب درآمد حلال به جهت اداره آبرو مندانه زندگی همراه باشد اجر و ثواب جهاد در راه خدا را در پی دارد و لذا نقل شده است که پیامبر دست کارگر را می بوسید؛ چون دست مجاهد فی سبیل الله بود.

و اگر چنین است و هدف و انگیزه کارکردن، الهی و خدایی باشد پس کم کاری و تلف کردن وقت، هدر دادن ساعت کار و انجام کارهای ناقص خلاف قرار داد کاری میباشد و در نتیجه حرام است و اگر کسی مرتکب این حرام شود، حقوقی که در قبال آن دریافت میکند، نیز حرام خواهد بود و تفاوتی با مال دزدی ندارد

رسول خدا (ص) میفرماید:

«خداوند آن کارگری را دوست دارد که چون کاری به وی محول شود آن را نیکو انجام دهد»